

✚ واسطه‌ای برای قطع نشدن امید

مؤسسه خیریه بین‌المللی «زنجیره امید» خدمات درمانی خود را با کمترین هزینه به کودکان زیر ۱۸ سال طبق استانداردهای بین‌المللی در سه رشته قلب، ارتوپدی و ترمیمی ارائه می‌دهد. از آغاز فعالیت زنجیره امید تاکنون بیش از چهارده هزار کودک بیمار ارتوپدی، قلبی و ترمیمی از سراسر کشور مورد جراحی فوق تخصصی قرار گرفته و درمان شده‌اند. بنابراین خانم بهشتی با این مرکز وارد ارتباط می‌شود و بیماران بسیاری از سوی این گروه معالجه می‌شوند که تا امروز عدد آن‌ها به پانصد نفر نیز رسیده است. او با مجموعه‌ای از پزشکان خیر در مشهد نیز در جهت کمک به درمان ارتباط دارد. البته بانو بهشتی تصور این را که خیران سلامت از رفاه مالی بالایی برخوردارند رد می‌کند و می‌گوید: شما برای انجام کار خیر و کمک به مردم اصلا نیاز به پول ندارید. فقط باید یک دل سیر حوصله و دغدغه داشته باشید. مثلا خود من هفته گذشته با صحبت و چند تماس تلفنی، مبلغ صد میلیون را از جلو پای یک خانواده برداشتم زیرا دکتر مورد نظر قبول کرد همه هزینه جراحی و بیمارستان را ببخشد. بنابراین اینکه برخی‌ها فکر می‌کنند ابتدا باید پس انداز زیادی داشته باشند سپس به فکر کمک به دیگران باشند کاملا اشتباه است. این دقیقا حلقه گمشده زندگی امروز ماست زیرا تا وسط میدان عمل نباشی، اصلا نمی‌توانی پولی جمع کنی. مثلا در ماه گذشته یکی از بیماران ما برای هر عمل دستش باید ۲۵ میلیون حق عمل پرداخت می‌کرد. برای من جمع کردن این مبلغ در بین چندین کار راحت نبود اما به لطف خدا خیلی زود پول جور شد.



✚ یک کانال تلگرامی و صدها شاخه

خانم بهشتی هیچ مؤسسه‌ای ثبت نکرده و حتی خودش را درگیر پله‌های ادارات نکرده است. معتقد است همان گروه تلگرامی‌شان تا امروز توانسته است به اندازه یک مؤسسه سلامت کار راه انداز باشد، گروهی با بیست عضو ثابت که هر کدام به صدها نفر دیگر وصل‌اند و در کمتر از چند روز می‌شود گروه‌های بزرگ را باز کرد. بیماران هم غالبا توسط کادر درمان و آموزش و پرورش معرفی می‌شوند. اگر چه در برنامه‌هایی که برای آینده دارد دلش می‌خواهد به یاد خواهرمرحومش، ریحانه بهشتی، یک مؤسسه ثبت کند اما باز هم می‌داند که این کار هزینه‌های جانبی به او اضافه می‌کند که دست‌وپاگیر است. حتی در شهرهای مختلف همکاران بیماران را معرفی می‌کنند. دلم می‌خواهد به هزاران بیمار کمک کنم اما واقعا توان ما در این حد نیست به‌ویژه به این علت که کارهای بدون برنامه‌ریزی هم اضافه می‌شود. مثلا در یکی از روستاها با خانواده‌ای آشنا شدم که هم نابینا بودند و هم ناشنوا، و حل کامل مشکل این خانواده حقیقتا زمان برد. راستش ثبت مؤسسه با توجه به عملکرد ما هم سخت نیست اما من فعلا این کار را چندان ضرور نمی‌بینم چون ممکن است خودش دست‌وپاگیر باشد. ما فعلا در حد توانمان حمایت می‌کنیم.»

✚ همیشه یک پایم بیمارستان است

لعیا بهشتی به قولی همیشه یک پایش پیش دکتر و بیمارستان است. با این حال، روحیه‌اش را حفظ کرده است و باز هم دیگران برای مسائل و مشکلات مالی هم با او تماس می‌گیرند. مثلا همین هفته خانه یکی از بیمارش هم در آتش سوخته بود. این بانوی فرهیخته تلاش کرد چند خیر را راضی کند تا هزینه رهن منزل آن بیمار سرطانی را هم بدهند. از طرفی او نگران حال بیماران ای‌بی‌بی یا پروانه‌ای هم هست زیرا این کودکان وضعیت خیلی خاص و حادی دارند. پوستی بسیار آسیب‌پذیر دارند که نوازش و لمس آن برایشان آزاردهنده است. شانه زدن مو برای این بیماران بسیار دردناک است. همه اندام‌های داخلی‌شان زخم است و گهگاه باید عمل جراحی داخلی انجام دهند. می‌گوید: انگشت‌های این بیماران به هم می‌چسبند. خانواده‌ها نیز عمدتا از طریق مراکز خیریه حمایت می‌شوند اما چون هزینه‌های درمان این بچه‌ها بسیار گران است، با یکی از گروه‌های درمانی به نام راه سلامت وارد عمل شدیم و خوشبختانه توانستیم این بیماران را به طور ویژه تحت پوشش قرار دهیم. راستش به همین دلیل است که عمده تمرکز ما در بخش درمان گذاشته‌ام.



کمتر کسی می‌داند خواهر شهید هستم

تا انتهای گفت‌وگو لعیا بهشتی حرفی از اینکه خواهر شهید هم هست نمی‌زند. مادرش نیز در زمان اهدای عضو دخترش، ریحانه بهشتی، دونده‌ای که توانست جان چندین نفر را نجات دهد، کمتر از اینکه یک پسرش را در سال‌های دفاع مقدس تقدیم امنیت مردم کرده چیزی گفته است، برادری که هرگز از خاطر خانواده محو نشد اما مسیرش ادامه دارد. «تلاش کردیم با عملمان مسیر روشن برادرم و خون پاکش را ادامه دهیم. یادم نمی‌آید هیچ کجا از اینکه خواهر شهید هستم حرفی زده باشم. الان هم اگر خودتان نمی‌گفتید

شماره

شهربانو ✚

۲۷ شهریور ۱۴۰۱
شماره ۳۹۱

۵



✚ برنامه تلویزیونی «مثل ماه» مراجعان را دوبار برگرد

یکی از دلایلی که خانم بهشتی بی‌سروصدا به کارش ادامه می‌دهد این است که دلش نمی‌خواهد به کسی «نه» بگوید. تقریبا تا امروز هیچ کدام از مراجعانش بدون جواب نمانده است. او حتی برای اینکه برخی بیماران مبادا در رودربایستی قرار بگیرند یا خجالت‌زده شوند تلاش کرده است با آن‌ها کمتر روبرو شود اگرچه حضور به عنوان مهمان در برنامه «مثل ماه» شبکه سوم سیما باعث شده است تعداد مراجعانش زیاد شود. «حقیقتا من دنبال کسب اسم و رسم نبوده‌ام و نیستم. الان هم اگر بحث ترویج مسئله کمک و خیران سلامت نبود، قطعاً دوست داشتم کمتر دیده شوم. می‌دانم که بانوان خیر زیادی در مشهد هستند که می‌توانند دیده شوند. مردم باید بدانند که حوزه سلامت به کمک نیاز دارد. چه بسا حتی هزینه مراسم یک مجلس ختم یا حتی یک دوره‌ای بتواند چندین بیمار را نجات دهد. در کمترین حالت، این روزها از طرف اطرافیانم هزینه درمانی به دستم می‌رسد که متعلق به یک مراسم و مهمانی است. اگر همین مسئله سنت شود، می‌تواند بسیار راهگشا باشد.»

✚ طرح سلامت دانش‌آموزان را اجرا کنیم

لعیا بهشتی مدتی در فنلاند طرح کارشناسی ارشد خود را گذرانده و مدت‌ها سیستم آموزشی کشورهای دیگر را رصد کرده است. او معتقد است سرانه آموزشی و بهداشتی در کشور ما بسیار پایین است و همین مسئله مشکلات زنجیره‌ای برای ما ایجاد کرده است. «نخست، آرزو داشتم اصلا نیازمندی نبود که ما بخواهیم کمک کنیم اما از طرفی، به حق باید گفت سیستم بهداشت و درمان و آموزش ما نیازمند بازبینی است. ما در کشور نتوانسته‌ایم بابت ورزش و بهداشت و سلامت زیرساخت‌ها را در مدارس آماده کنیم. در مدارس ما واقعا بین بچه‌ها از نظر طبقه اجتماعی تبعیض وجود دارد. یعنی کسی که مشکل اقتصادی دارد نمی‌تواند یک رشته خاص ورزشی را حتی برای سلامتی‌اش ادامه دهد. یک جایی باید طرحی ارائه کنیم. دوست دارم طرح کمک به سلامت دانش‌آموزان را بنویسم و به عنوان یک مدیر که زندگی‌اش در سیستم آموزش کشور می‌گذرد بگویم به چه چیزهایی نیازمندیم.»

قطعا من به این سمت نمی‌رفتم. برادری داشتم که حتی لحظه شهادت خود و نحوه آن را پیش‌بینی کرده بود. می‌دانم اگر او هم بود، همین کار را انجام می‌داد. این روزها کمک به مردم همان مسیر حفظ امنیت و اعتبار جامعه است. من تلاش کردم در حد امکان در بحران کرونا، زلزله و سیل نیز با اهدای یخچال، آب گرم کن، مواد غذایی، ماسک، مواد بهداشتی، لوازم تحریر و ... به مردم کمک کنم. این روزها زندگی‌ام را برای درمان دانش‌آموزان و کودکان گذاشته‌ام تا به دیگران بگویم ایران روزی با جان سربازانش حفظ شد و امروز با همدلی.»